

## جایگاه پارادایم «معماری مسکن» در سیمای امروز شهر ایرانی - اسلامی

طاهره نصر\*

استادیار، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۰۵

### چکیده

نیاز به مسکن یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است. طبق اصل سی و یک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، داشتن مسکن مناسب حق هر فرد و خانواده ایرانی است. هرچند به علت گستردگی و پیچیدگی مقوله مسکن نمی‌توان تعریف جامع و واحدی از آن ارائه داد، اما مسکن به عنوان سرپناه، نیاز اولیه و اساسی خانواده به شمار می‌آید. مسکن به عنوان یکی از نیازهای اساسی بشر در محیط‌های مختلف طبیعی و مصنوعی معانی متفاوت یافته است. با وجود این تفاوت‌ها، مسکن در تمام جوامع دارای مفهومی متعالی و مقدس است که انسان با تأمین آن به بودن دست یافته و در این بودن هستی و زندگی را تجربه کرده است؛ به عبارت دیگر، نحوه سکونت، چگونگی بودن انسان را معنا بخشیده است. از عوامل مؤثر در سیمای شهر ایرانی - اسلامی، معماری سنتی مسکونی ایران است که دارای مؤلفه‌های ارزش‌مندی است و در نقاط مختلف کشور بسته به بوم، متفاوت است. معماری بر اساس هویت طبیعی و اقلیمی هر منطقه شکل گرفته و در گذر تاریخ، به عنوان عاملی هویت‌بخش در معماری آن بوم تجلی کرده است. گذر زمان و تغییر شیوه معماری بر معماری مسکونی نیز تأثیر داشته است؛ به طوری که امروز مسکن ایران واجد هویت خاصی نیست. در این مقاله به این موضوع تأکید شده است که بررسی تأثیر معماری مدرن بر معماری سنتی ایران برای توسعه دوباره الگوی فراموش شده زندگی مردم ایران در ادوار گذشته لازم و ضروری است. هم‌چنین توجه به پارادایم مسکن در سیمای شهرهای امروز ایران برای تبیین جایگاه هویت شهر ایرانی - اسلامی مؤثر است. در این مقاله دو مسیر اصلی برای بررسی دلایل ناتوانی معماری و شهرسازی امروز در برابر مسأله مسکن و نیز ارائه معیارهایی برای دست‌یابی به الگوی طراحی مسکن ایرانی دنبال می‌شود: اول، تبیین نقش و جایگاه «هویت» و «معنا» در «مسکن ایرانی» و به تبع آن ارزیابی مؤلفه‌های هویت‌بخش به شکل مسکن ایرانی در بررسی تطبیقی معماری سنتی و امروز، و دوم، آسیب‌شناسی معماری امروز مسکونی ایران و ارائه راهکارهایی برای تداوم معماری بومی.

واژگان کلیدی: مسکن، هویت، مسکن سنتی ایرانی - اسلامی، معماری مسکونی امروز ایرانی، معیارهای طراحی مسکن.

\* E-Mail: nasr@iaushiraz.ac.ir

## مقدمه

هویت موضوعی است که تفاوت سیمای شهر قدیم ایرانی و سیمای شهر معاصر را موجب شده است. مطالعات در عرصه‌ها و پدیده‌ها و عناصر شهری گذشته برای هویت بخشیدن به ساختار شهرهای کنونی لازم است. می‌توان با شناسایی اصول شکل‌دهنده فضاهای شهری ایرانی، به نظام پایدار برنامه‌ریزی برای شهر معاصر اندیشید. برای این منظور باید دید تغییر و تحولات هر دوره چگونه و تا چه حد بوده است؟ عناصر طبیعی، ساختارها و کالبدهای مصنوعی شهر موضوعاتی هستند که بررسی تطبیقی آن‌ها در دوره‌های مختلف سبب شناسایی تمایزهای هر دوره تاریخی از دوره دیگر شده و هویت شکلی شهر را سبب می‌گردد. واقعیت کالبد شهر در مقیاس کلان یا «پیکر شهر» در برگزیده برداشت‌های بصری از شهر نظیر ورودی به شهر، تندیس پیکر یا حجم‌های پر<sup>۱</sup> و خالی<sup>۲</sup>، خط آسمان<sup>۳</sup> و نیم‌رخ شهر از دور است و در مقیاس متوسط یا «سیمای شهر» شامل عواملی چون نشانه، راه، لبه، گره و محله، و در مقیاس خرد یا «چهره شهر» در برگزیده عواملی چون نما، فضا و اثاث یا مبلمان شهری است.

این عوامل در مجموع بیانگر «روحیه بصری شهر» هستند. افزودن مردم و فعالیت‌های آن‌ها و ویژگی‌های سینتیک یا حرکتی شهر و دیگر عواملی چون صدا و بو به عوامل مذکور به روحیه بصری شهر جان می‌بخشد که قابل تقسیم به روحیه‌هایی نظیر مسکونی، تجاری، اداری، مذهبی، تفریحی، دانشگاهی و نظایر آن است. در تمام این موارد، مسکن و چشم‌انداز آن قابل رؤیت است. چشم‌انداز<sup>۴</sup>، محصوریت<sup>۵</sup>، خیابان<sup>۶</sup> و مبلمان شهری<sup>۷</sup> از جمله معیارهای اصلی شناخته شده در طراحی شهری برای تحقق اصول زیبایی‌شناسی در شهر و مجتمع‌های مسکونی هستند (Whittick, Arnold, 1974). تمایز بین مظاهر بصری مجتمع‌های مسکونی و روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان هر یک، هویتی خاص به آن مجتمع می‌بخشد. مطلوبیت محیط برای زندگی و روح و روان، و خوشی و شادی ساکنان هر مجتمع به توسعه‌یافتگی بیش‌تر جامعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به طور اعم و زیبایی بیش‌تر در مظاهر بصری آن مجتمع به طور اخص بستگی دارد. در این مقاله سعی شده ضمن بیان مباحثی در باره معماری مسکن، به جمع‌بندی و ارائه معیارهایی برای طراحی مسکن مناسب در جهت توجه به سیمای شهر ایرانی - اسلامی پرداخته شود. در این مسیر، مسکن به عنوان پارادایمی قابل توجه مورد بررسی قرار گرفته است؛ چرا که معماری مسکن را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل هویتی چهره شهرهای امروز ایران دانست. از این رو، سه پرسش اصلی قابل طرح است:

- انسان‌ها چگونه با محیط اطراف ارتباط برقرار می‌کنند و در چه فضایی احساس آرامش و آسایش می‌کنند؟

- بی‌توجهی به هویت مسکن در معماری امروز به ویژه معماری شهرهای کهن چه عواقبی را در برداشته است؟  
- آیا مؤلفه‌هایی از معماری سنتی ایرانی می‌تواند در معماری امروز مسکن به کار رفته و در ایجاد حس مناسب مکان، تأثیرگذار باشد؟

در پاسخی مقدماتی می‌توان چنین گفت که بررسی تأثیر معماری مدرن بر معماری سنتی ایران برای توسعه دوباره الگوی فراموش شده زندگی مردم ایران در ادوار گذشته لازم است. هم‌چنین توجه به پارادایم مسکن در سیمای شهرهای امروز ایران برای تبیین جایگاه هویت شهر ایرانی - اسلامی مؤثر خواهد بود. بر این اساس، مقاله حاضر بعد از مروری بر مفهوم پارادایم، به چرایی پارادایم مسکن پرداخته و با ارائه تعاریفی از مسکن و بیان دیدگاه‌های مختلف درباره مسکن و نیز بررسی مسکن ایرانی، هویت سیمای شهر ایرانی - اسلامی را بررسی نموده و معماری مسکن را به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر در هویت سیمای شهر بیان می‌دارد. هم‌چنین به آسیب‌شناسی معماری امروز مسکن کشور در بررسی تطبیقی با معماری مسکونی سنتی پرداخته و دلایل ناتوانی معماری و شهرسازی امروز را در برابر مسأله مسکن بیان نموده و معیارهایی را برای دستیابی به الگوی طراحی مسکن ایرانی پیشنهاد داده است.

## روش تحقیق

روشی که در این پژوهش به کار گرفته شده با توجه به کنکاش در مسکن سنتی ایرانی و معماری امروزی مسکن به صورت توصیفی - تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و اسنادی است. در مطالعات میدانی به کلیت ساختار معماری امروز مسکن در ایران توجه شده (که متأسفانه در شهرهای گوناگون در قالب مجتمع‌های مسکونی یکسان است) و نمونه‌ها در قیاس با کلیات معماری سنتی مسکونی مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفه‌های معماری مسکونی معاصر و سنتی ایران به عنوان پارامترهای اصلی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند.

## رویکرد نظری

### تعاریف پایه

**پارادایم:** «اصطلاحی است که در فلسفه علم به کار می‌رود و مقصود اصولی است که بر بینش افراد نسبت به چیزها و جهان حاکم است» (مورن، ۱۳۷۹: ۱۶). در زبان یونانی، پارادایگما<sup>۸</sup>، به انگلیسی پارادایم، سرمشق و الگوی مسلط و چارچوب فکری و فرهنگی است که مجموعه‌ای از الگوها و نظریه‌ها را برای یک گروه یا یک جامعه شکل داده‌اند. واژه پارادایم<sup>۹</sup> نخست در سده پانزدهم و به معنی «الگو و مدل» مورد استفاده قرار گرفت. از سال ۱۹۶۰ کلمه پارادایم به الگوی تفکر در هر رشته علمی یا

دیگر متون شناختی گفته می‌شود. بر اساس ایده توماس کوهن، «پارادایم آن چیزی است که اعضای هر جامعه علمی با هم و هر کدام به تنهایی در آن سهیم هستند» (کوهن، ۱۳۸۳). مجموعه‌ای از مفروضات، مفاهیم، ارزش‌ها و تجربه‌ها که روشی را برای مشاهده واقعیّت جامعه‌ای که در آن سهیم هستند (به ویژه در رشته‌های روشنفکرانه) ارائه می‌کند. کوهن نظریه جاری را پارادایم نمی‌نامد، بلکه جهان‌بینی موجود را که آن نظریه در قالب آن شکل گرفته و همه کاربردهایی که از آن حاصل شده‌است، پارادایم می‌خواند.

**پارادایم مسکن:** از آنجا که طراحان و شهرسازان و معماران در ایجاد فرم مسکن در جامعه دخیل هستند، بنابراین می‌توان گفت اعضای جامعه‌ای هستند علمی که در شکل‌دهی به مسکن سهیم هستند. چنان‌چه در تعریف پارادایم گفته شد نوع بینش، ارزش‌ها و اصول در ایجاد پارادایم مؤثر است. هم‌چنین از آنجا که اصول اصلی طراحی مسکن در دانشکده‌های معماری تدریس می‌شود و این معماری مسکن است که سهم عمده‌ای در چهره شهر امروز دارد، بنابراین مسکن به عنوان یک پارادایم در این نوشتار بیان می‌شود. اگر به معنای واژه پارادایم از دیدگاه الگو توجّه شود، می‌توان معماری نسبتاً یکسانی را که برای تمام شهرهای کشور در طراحی مسکن مسلط است و متأسفانه چهره یکسانی را هم برای شهرها ایجاد نموده است، نوعی پارادایم دانست.

**مسکن:** این واژه در گذشته به اتفاق اطلاق می‌شد. اتاق خصوصی را (وستاخ) یا گسستاخ یا وثاق می‌نامیدند؛ از واژه سرا به جای کلمه خانه در اصطلاح امروز آن، استفاده می‌شد» (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۱۵۴). واژه مسکن در حقیقت اسم مکان از ریشه سکن است که به محل سکون یا توقف گفته می‌شود. با این همه این واژه مجموعه متنوعی از مفاهیم کالبدی و مفهومی را با خود به همراه دارد. در بیانیه دومین اجلاس کنفرانس اجلاس بشر در استانبول ترکیه، به جای استفاده از کلمه مسکن، عبارت «سریناه مناسب» استفاده شد (Habitat, 2003: 22) و در تبیین آن چنین عنوان شده است که «سریناه مناسب بیش از یک سقف بالای سر هر فرد است. بلکه به معنای خلوت مناسب، دسترسی، ایمنی کافی، امنیت تصرف، ایستایی و دوام سازه‌ای، روشنایی، گرما و تهویه مناسب، زیرساخت‌های مناسب از قبیل منابع آب، بهداشت و تجهیزات دفع زباله، معیارهای متناسب محیطی و سلامت، و موقعیّت و دسترسی مناسب نسبت به محل‌های کار و تأسیسات زیربنایی است که همگی باید با هزینه مناسبی در دسترس باشند» (Ibid: 22). مسکن به عنوان یکی از عناصر حیاتی زیست انسان و تأمین‌کننده نیازهای مختلف او در مقیاس ملی و بین‌المللی مورد توجّه است. برنامه اسکان بشر سازمان ملل در دومین کنفرانس خود در استانبول ترکیه هدف اصلی دستورالعمل خود را «سریناه مناسب برای همگان» و «توسعه پایدار سکونت‌گاه‌های بشری در فرایند شهرگرایی در جهان»

قرار داده است (Habitat, 2006: 46). در فصل هفتم دستور کار ۲۱ با عنوان «ترویج توسعه پایدار در اسکان بشر» نخستین برنامه این فصل «تأمین سریناه مناسب برای همگان» عنوان شده است (UN, 2007: 46). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل ۳۱ و ۴۳ «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی» دانسته شده است (منصور، ۱۳۸۶: ۳۸).

به این ترتیب در عرصه‌های مختلف جهانی و در دوره‌های مختلف، دسترسی به مسکن یا سریناه مناسب یکی از حقوق و نیازهای انسانی شناخته شده است. یکی از الگوهای استفاده از مسکن، استفاده از آن بر مبنای نیاز است. منظور از مسکن به عنوان نیاز، در برگزیده مجموعه‌ای از نیازهای انسان است که پاسخ‌گوی نیازهای فیزیولوژیک، روانی و حس تعلق خاطر انسان باشد.

اهمیت مسکن از جایی نشأت می‌گیرد که بسیاری از نیازهای اولیه هر فرد همانند غذا خوردن، گذرانیدن اوقات فراغت، استراحت و... در آن تأمین می‌شود. مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای به‌زیستن خانواده و مکان‌های اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است.

بنا بر نظرات گوناگون، خانه در سه گستره ساختمانی و کاربردی و اجتماعی معنای دقیق می‌یابد (نصر، ۱۳۹۰):

۱- خانه به مفهوم ساختمانی، دارای وضعی است که ارزیابی فنی را نشان می‌دهد.

۲- خانه به مفهوم مکان زندگی، نمایانگر استقبال‌ها و اشتیاق‌های کاربردی است که انسان، واحد اندازه‌گیری و نقطه مرکزی احساس‌هایش است.

۳- خانه به مفهوم خانواده، نمایانگر تصوّر نمادینی است که واحد اندازه‌گیری و نقطه عطف آن به شکل هسته اجتماعی درآمده است.

در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن، یک واحد مسکونی نیست، بلکه کل محیط مسکونی را شامل می‌شود.

**ساختمان مسکونی:** عبارت است از ساختمانی که دارای سقف، دیوار و سازه مستقل (از پی تا سقف) و دسترسی از معبر عمومی است و برای سکونت مورد استفاده قرار می‌گیرد. ساختمان مسکونی شامل یک یا چند واحد مسکونی است» (بانک مرکزی، ۱۳۸۸).

**واحد مسکونی:** عبارت است از تمام یا قسمتی از ساختمان مسکونی که دارای یک اتاق یا بیش‌تر برای سکونت یک یا چند خانوار است؛ دسترسی مستقل به خیابان، کوچه، راه پله یا راهروی عمومی دارد و دارای نیازهای یک زندگی معمول شامل آشپزخانه و سرویس بهداشتی مستقل است» (بانک مرکزی، ۱۳۸۸).

## چند دیدگاه پیرامون مسکن

فارابی، در «آرای اهل مدینه فاضله»، مسکن را بر دو قسم مسکن جزوی (واحد مسکونی) و مسکن کلی (سکونت گاه‌های شهری و روستایی) تقسیم کرده است. این معنا نشان‌دهنده رابطه‌ای است که مسکن با مجموعه بزرگ‌تر از خود، یعنی شهر یا روستا، دارد. «مارتین هایدگر، فیلسوف آلمانی، با نگرشی کیفی به موضوع مسکن معتقد است که بحران واقعی مسکن در کمبود آن نیست، بلکه بحران واقعی در جستجوی آدمی برای سکونت است و انسان پیش از هر چیز باید سکونت‌گزینی را بیاموزد. وی زیستن، سکونت، ساختن، رشد و پروراندن را مترادف با هم می‌داند. بنابراین، مسکن از سکونت‌گاه در مقیاس کلی‌تر، از سرزمین و محدوده جغرافیایی کشور جدا نیست» (سرتیپی پور، ۱۳۸۳). از دیدگاه لوکوربوزیه، خانه، پوششی است که در تطابق با برخی از شرایط، رابطه صحیحی را بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسان برقرار می‌سازد. در خانه باید فرد یا خانواده زندگی کند؛ یعنی بخوابد، راه برود، دراز بکشد، ببیند و فکر کند (لوکوربوزیه، ۱۳۵۴: ۴۵). از نظر چارلز مور، خانه، برای ساکنانش مرکز جهان و برای محل‌آش شاخص‌ترین بنا در تحکیم مکان است (Moore, 1974). خانه در درجه اول یک نهاد است و نه یک سازه و این نهاد برای مقاصد بسیار پیچیده‌ای به وجود آمده است. از آن‌جا که احداث خانه پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌آید، شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که به آن تعلق دارد (Rapoport, 1969). به اعتقاد راپوپورت عامل فرهنگ و درک انسان‌ها از جهان و حیات نقش بسیار مؤثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است. فرایندها و تحولات فرهنگی مانند یکجانشین شدن، تحوّل ساختار خانواده، تحوّل آرمان‌ها و آداب و رسوم، بر خانه و مفهوم آن تأثیر می‌گذارد. «خانه از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی «فرهنگ» است و ریشه‌ها، کارکردها و الگوهای فرهنگی مسکن در هر جامعه از پیش معین است» (Ibid: 47). نکات اصلی در مورد سازمان فضایی مسکن در نظر این محققان در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱: نکات اصلی سازمان فضایی مسکن از دیدگاه

اندیشمندان

سازمان فضایی خانه	نکات قابل اهمیت
ساخت کلان ادراک فضایی	مفاهیم انسانی، فردی و اجتماعی
سازمان فضایی خانه	رابطه فضا و فعالیت
عناصر تشکیل‌دهنده فضا	شیوه‌های تعریف، ترکیب و تمایز فضا

## مسکن در فرهنگ اسلامی

«معماری مبتنی بر فرهنگ اسلامی، بازآفرینی و سامان‌دهی

حکیمانه و عادلانه فضای زیست انسان‌ها به همراه عوامل طبیعی و مصنوعی، تأمین‌کننده نسبی نیازهای مادی و بسترساز نیازهای روحی آن‌ها است» (نقره کار، ۱۳۹۴: ۲۵۲).

مهم‌ترین تأثیرات حکمت عملی اسلام بر طراحی خانه‌ها در منابع اسلامی چنین آورده شده است:

داشتن حریم کامل از خانه‌های اطراف و فضاهای عبوری و عمومی (میزان الحکمه، عنوان ۱۲۰، حقوق)؛ پرهیز از اشراف متقابل خانه‌ها (پیشین، عنوان ۲۳۸، مسکن؛ و عنوان ۱۲۰، حقوق)؛ توصیه‌هایی در مورد وسعت خانه، ارتباط با طبیعت، ارتفاع خانه، جهت‌گیری خانه، نور در خانه، تزئین‌ها در خانه، استحکام و ایمنی خانه (پیشین، عنوان ۲۳۸، مسکن؛ و مجلسی، ج ۷۳، باب مسکن). «هم‌چنین مواردی چون متانت، سادگی و هماهنگی بدنه‌های خارجی بناها با یکدیگر، هم‌آوایی و همراهی بدنه‌ها با هندسه فضاهای عبوری و راه‌ها و نهرها، تشخّص بخشیدن به خانه‌ها با ایجاد سردرهای زیبا و سایه‌اندازها و زینت بخشیدن به آن‌ها با یاد و نام خدا، جداسازی کامل با مفصل‌بندی‌های متعدّد و متناسب نظیر هشتی و راهرو و حیاط بیرونی، بین فضای خارجی و حریم داخل، برخورداری هر خانه از فضای سرباز و طبیعی «حیاط» و فضاهای نیمه باز «ایوان‌ها» و فضای سرپشته برای استفاده در فصول مختلف و ساعات مختلف روز (حداکثر استفاده از تأسیسات طبیعی)، برخورداری از فضاهایی کاملاً خصوصی و خانوادگی و دور از هر نوع مزاحمت همجواری، عرصه‌بندی فضاهای مختلف داخلی، به نحوی که برای همه افراد هم امکان فضای کاملاً خصوصی خواب و مطالعه و عبادت را در کنار فضای خانوادگی اتاق نشیمن و بازی بچه‌ها و هم فضای پذیرایی از مهمان را همزمان با کمترین مزاحمت در کنار هم فراهم می‌نماید، محوربندی و ارزش‌گذاری فضاهای داخلی به نحوی که مهم‌ترین فضاهای داخلی خانه نظیر پذیرایی و نشیمن خانوادگی در محور اصلی و سپس فضاهای خصوصی در محورهای فرعی‌تر و در نهایت فضاهای خدماتی، راهروها، پله‌ها و فضاهای بهداشتی در فرعی‌ترین محورها و محل‌ها قرار گیرند، قابل توجه است» (نقره کار، ۱۳۹۴: ۳۷۶).

## شکل‌گیری تمدن هر بوم و محیط زندگی مطلوب

«مراد از معماری سنتی ایرانی با عنایت به معنا عبارت است از اصول و روش‌هایی است که اولاً ریشه در اعتقادات و باورهای معنوی ایرانیان داشته و ثانیاً بدون انقطاع تاریخی در اثر حقیقت‌جویی و نوگرایی ایرانیان در تماس با سایر تمدن‌ها بر پایه جهان‌بینی اسلامی- ایرانی و در بستر فرهنگ و با پویایی و تکامل دائمی هدایتگر باشد» (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۸۰). «معماری بومی روش طراحی عمومیت یافته‌ای است که از معماری مردمی



اثربخشی و گیرایی روابط مکانی- فضایی گذشته نیز از بین رفته است (پیشین: ۱۴۹).

۳- زندگی درون دیوارهای حیاط خانه‌های مسکونی سنتی پاسخی مناسب به مقوله امنیت خانوادگی بوده است.

۴- «باغ بهشت» مرکز هر خانه ایرانی بوده است.

راه‌حل‌های معماری و پاسخ مکانی به مفهوم معماری مسکونی در خانه‌های تاریخی ایران در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: ایده اصلی در طراحی مسکونی سنتی ایرانی

مفاهیم محوری تأثیرگذار بر فضای معماری خانه‌های تاریخی به مفهوم خانه و تنوع ابعاد زندگی
انعطاف‌پذیری سازمان فضایی و امکان بسط و ترکیب فضاها با یکدیگر
وجود فضاهای حریم
طراحی ترکیبی جزء فضاها

در رویکرد مطلوبیت زندگی ایرانی، خانه ایرانی، بازتاب مستقیم فرهنگ سنتی و ارزش‌های معنوی زندگی به شمار می‌آید. پیشینی که بر طراحی معماری ایرانی سنتی وجود داشته است (با توجه به مفهوم واژه پارادایم که بیان گردید)، می‌تواند به عنوان یک الگوواره مد نظر قرار گیرد. این بینش در قالب ویژگی‌های محیط زندگی مطلوب در فرهنگ ایرانی به شرح زیر قابل خلاصه است:

- ۱- مسکن به مثابه مکان آرامش (آرامش مادی و آرامش خیال)،
- ۲- هویت (احراز متعادل هویت فردی و جمعی و مادی و معنوی انسان به عنوان شاخص مهم ارزیابی مسکن مطلوب)،
- ۳- تعریف و تمایز حریم‌ها و قلمروها،
- ۴- امکان زندگی انسانی.

مسکن سنتی ایرانی در دهه‌های اخیر در مقابل ساختار شهرسازی، سبک زندگی و الگوی ساختمانی جدید تاب مقاومت و فرصت ابراز وجود و حفظ هویت خود را نیافت و با شتاب‌گیری رشد جمعیت و مهاجرت، تشویق بی‌مطالعه و عجولانه متراکم‌سازی، رواج انبوه‌سازی و خلاصه شدن همه انگیزه‌های ساخت و ساز در سوداگری، به تدریج رابطه معماری مسکن با خصوصیات و ظرایف زندگی ایرانی قطع شد. از این رو، برای باز تدوین الگوی فراموش شده زندگی بومی مردم ایران با تغییرات متناسب با زندگی امروز، توجه به مسکن در معماری گذشته ایران در مواردی ضروری است (پیرنیا، ۱۳۷۴: ۱۶۴-۱۵۷).

جدول شماره ۳ به بیان تفاوت بین شیوه زندگی سنتی و امروز معاصر ایران و معماری مسکونی می‌پردازد.

زاییده شده و می‌توان آن را شکل پیشرفته معماری طبیعی یک خطه معین به حساب آورد که در ارتباط با فرهنگ، آب و هوا و مصالح ساختمانی بیان می‌گردد. مختصات جغرافیایی و اجتماعی هر بوم از عوامل اصلی شکل‌گیری یک زیستگاه است» (ذوالفقارزاده و حصاری، ۱۳۹۳: ۴۲). بررسی ساز و کارهای مربوط به معماری در حوزه‌های بومی و سنتی در تلفیق با یکدیگر یک اصالت و ویژگی خاصی در راستای هویت بخشی به فرهنگ هر سرزمین است (پیشین: ۴۳).

کلی‌ترین عوامل اصلی و طبیعی هر بوم را در سه دسته می‌توان تقسیم نمود: عوامل انسانی، عوامل اقلیمی و عوامل امکانات مادی. با توجه به این سه عامل بالقوه و بالفعل هر بوم، تمدن آن بوم شکل می‌گیرد.

۱- عوامل انسانی با توجه به فرهنگ و اعتقادات هر بوم به عنوان نیروی محرکه آن سرزمین عمل می‌کند و نیازهای اعتقادی را در کیفیت کالبد معماری خود تجلی می‌دهد.

۲- عوامل اقلیمی هر سرزمین از عوامل تعیین‌کننده در جهت‌گیری و کیفیت معماری بناهای آن بوم را مشخص می‌کند.

۳- امکانات مادی یا مواد و مصالح طبیعی هر سرزمین، نوع ساخت‌مایه هر بوم و کیفیت به کارگیری مواد و مصالح را در آن سرزمین تعیین می‌کند (پیشین: ۳۱).

### ویژگی‌های محیط زندگی مطلوب در فرهنگ ایرانی

خانه سنتی ایرانی دارای ویژگی‌هایی است که آن را از خانه معاصر متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها از دو رویکرد قابل توجه است: رویکرد شکلی و رویکرد مطلوبیت زندگی ایرانی.

در رویکرد شکلی می‌توان ویژگی‌های زیر را برشمرد:

- ۱- «خانه سنتی ایرانی دارای فضای داخلی و خارجی است. واژه «حیاط» در خانه‌ها معادل courtyard انگلیسی است. امروزه واژه منزل فقط به فضای داخلی اطلاق می‌شود، هر چند که نیاز و خواست شدید به فضای خصوصی خارجی، هم‌چنان وجود دارد» (اردلان، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

۲- حفظ حریم خانواده کارکرد اصلی خانه سنتی ایرانی است. حیاط خانه سنتی نشان‌دهنده سطوح مختلف حریم شخصی و قلمرو خصوصی منازل است: از دنیای «نهان» (اندرونی) زنان و کودکان گرفته تا قلمرو عمومی تر و «آشکار» (بیرونی) مردها و مشغولیت‌های اجتماعی.

در خانه‌های امروزی می‌توان گفت که حریم شخصی به نوعی قربانی احتیاجات اقتصادی و اجتماعی شده است. ارتباطات مکانی- فضایی ایجادشده که در ابتدا مبتنی بر نیاز به حریم شخصی بود، کم‌کم تحلیل رفته و به حداقل رسیده است.

جدول شماره ۳: تفاوت بین شیوه زندگی سنتی و امروز معاصر ایران

و معماری مسکونی

کاهش حساسیت‌های فضایی شهروندان	دیدگاه حاکم؛ غلبه بر بی خانمانی
کاهش مشارکت فضا در تعیین حریم‌های خصوصی و برخوردهای اجتماعی	
کاهش حس مکان برای خانه از دید بیرون	
کاهش اهمیت فضاهای فاصل درون و بیرون	
از بین رفتن توجه به عمق، مرکزیت، جهت و هدایت	
تقلیل زیربنا و توزیع کمتر سطح	
عدم توجه به تهویه و نور طبیعی	

تأثیرات معماری مدرن بر معماری سنتی ایران

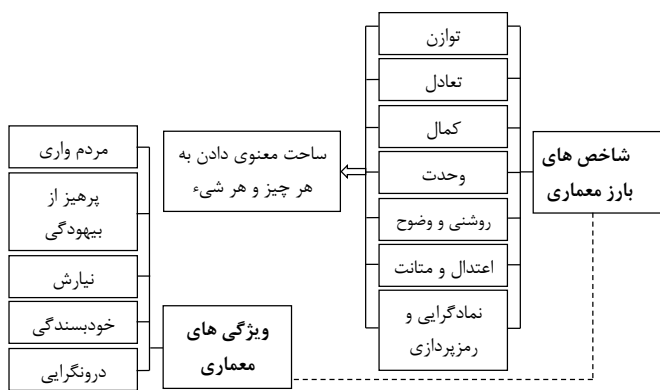
معماری (به عنوان عنصری از سیمای شهر) از اجزای فرهنگ هر ملت است که با توجه به موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های آب و هوایی، آداب و رسوم، ارزش‌ها و عقاید، در طول تاریخ و به مرور زمان شکل می‌گیرد و در صورت لزوم به آرامی و به تدریج نیز تغییر می‌کند. بنابراین، معماری هر ملت، خاص همان ملت و متناسب با تمام اجزای فرهنگ آن ملت است و نمی‌توان به یک‌باره و به دلایل اقتصادی و سیاسی در سبک معماری تغییرات ناگهانی ایجاد کرد.

شاخص‌های بارز معماری سنتی و اصیل ایرانی توازن، تعادل، کمال، وحدت، روشنی و وضوح، اعتدال و متانت، نمادگرایی و رمزپردازی (نه به معنا و منظور پیچیدگی و غامض بودن اثر و خودنمایی طراح، بلکه به معنای ساحتی معنوی دادن به هر چیز و هر شیء) است. به طور کلی معماری ایران بر پنج اصل زیر مبتنی است (پیرنیا، ۱۳۸۰: ۳۶-۲۶) (نمودار شماره ۱):

- ۱- مردم‌واری (به معنی داشتن مقیاس انسانی)،
- ۲- پرهیز از بیهودگی (خودداری از به‌کارگیری عناصر غیر ضروری، در عین رعایت زیبایی در معماری اسلامی)،
- ۳- نیارش (به معنی علم فن، استاتیک و مصالح‌شناسی بنا)،
- ۴- خودبسندگی (به معنی استفاده از مصالح بومی)،
- ۵- درون‌گرایی (به دلیل مسأله محرمت و حفظ حریم خانواده به دلیل وضعیت خاص جغرافیایی ایران و هم‌چنین مسائل فرهنگی و اصول مذهبی)،

هر یک از این موارد را می‌توان در مسکن ایرانی سنتی به عنوان یک اصل قابل توجه در نظر داشت که در توجه به «پارادایم مسکن» حائز اهمیت هستند.

نمودار شماره ۱: جنبه معنوی معماری ایرانی و ویژگی‌های فیزیکی آن



«هویت» و «معنا» در مسکن

ارتباط بین مکان و هویت نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی را در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی به خود اختصاص داده است. چارچوب این رویکردها با «ویژگی‌هایی از محیط» مانند فرم‌ها و فعالیت‌ها در معماری و شهرسازی ارتباط دارد.

تعلق به مکان، معنای مکان و حس مکان ارتباط تنگاتنگی با هویت مکان دارند. تعلق به مکان از نیازهای اولیه انسان است (Rowles, 1990). معنای مکان و حس مکان نیز دو واژه‌ای هستند که تعریف‌های بسیار مشابهی دارند و گاهی به عنوان مترادف‌هایی برای یکدیگر استفاده می‌شوند. باتیمر و سیمون خانه را مکانی مهم و به یاد ماندنی می‌دانند و معتقدند که هویت مکانی یا حس تعلق به مکان از خانه و در ارتباط با وقایع و رخداد‌های خانه و اطراف آن شکل می‌گیرد و سپس به مکان‌های دیگر گسترش می‌یابد (Buttimer & Seamon, 1980).

«خانه هویت خود را دارد، ارتباط با دیگران را تعریف می‌کند و تداوم سنن و ارزش‌ها را در خود جای می‌دهد. مفهوم خانه بسیار گسترده است، و می‌تواند مکانی خاص، محل اقامت، یک ساختمان، محله، شهر یا یک کشور باشد که حس‌ها، صداها، رایحه‌ها و رخداد‌های هر جامعه و زندگی‌ها را به هم پیوند می‌دهد. جایی که ما با بودن در آن تصور می‌کنیم دنیا در آینده نیز همان گونه خواهد بود که در گذشته بوده است» (امین زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۱). آلمر به نقل از پاموک (Allmer, 2009) امنیت ناشی از آشنایی و صمیمیت خانه را مهم‌ترین ویژگی در خاطره‌انگیزی آن می‌داند و می‌گوید از آن‌جا که ما به امنیت نیاز داریم، می‌خواهیم خاطرات آن مکان تکرار شود، بنابراین حفاظت از مکان‌ها و خاطره‌ها برای ما حیاتی می‌شود. «هویت ابعاد فضایی هم دارد که موجب می‌شود ویژگی‌های مکان (خانه) در عملکرد و رفتار ساکنان آن تأثیر بگذارد» (امین زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۱).

ارزبابی و تطبیق معماری مسکونی سنتی و مدرن در ایران

بنابراین با توجه به آن‌چه مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت

### یافته تحقیق

با توجه به ادعای این مقاله به لزوم توجه به باز تدوین الگوی زندگی بومی در شهر امروز ایرانی با تأکید بر پارادایم مسکن، این دیدگاه از دو منظر قابل ارائه و بررسی است (نصر، ۱۳۹۱).

### الف) دیدگاه شهری

برای ساختن تصاویر و نشانه‌های هویتی جدید باید به موضوع وضوح بصری یا خوانایی در سیمای شهری امروز که به گونه‌ای نادیده گرفته شده توجه بیش تری مبذول داشت. در این زمینه می‌توان به طور نمونه از «نمای ساختمان و به خصوص نمای ساختمان مسکونی و نمای محله‌های مسکونی نام برد. نما را می‌توان از ضروری‌ترین عناصر معماری دانست که ارتباط میان عملکرد و اهمیت ساختمان را نشان می‌دهد. نمای هر ساختمان به خصوص ساختمان مسکونی، بیانگر شرایط فرهنگی دوره‌ای است که ساختمان در بستر آن در حال ساخته شدن بوده است. هم چنین نمای ساختمان مسکونی می‌تواند بیانگر هویت اجتماعی افراد ساکن در خود باشد و هویت جامعه را نیز بنمایاند. آنچه که چهره شهر را شکل می‌دهد شامل نماها و فضاهای شهری است. در نما عناصری همچون مقیاس، تناسب، شیوه ساختمان، سازه ساختمان، مصالح ساختمانی، رنگ، نسج و ... حائز اهمیت است. هر یک از این موارد در شهرهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد. هم چنین فضاهای شهری عمومی و نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی، فضاهای میدان و بازار و ... نیز در تصویر شهر ایرانی حائز اهمیت هستند» (نصر، ۱۳۹۵: ۱۵۸). در جدول شماره ۴ نقاط اشتراکی که در چهره هر شهر با تأکید بر مؤلفه «پارادایم مسکن» می‌توان لحاظ نمود، ارائه شده است.

که مسکن دارای ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی است و نمی‌توان با دیدی یک بعدی به آن نگریست، بنابراین کمیّت و کیفیت مسکن هر دو مهم هستند و از آنجا که رضایت مصرف‌کنندگان در نهایت بیش‌ترین اهمیت را دارد، مسکن باید متناسب با ارزش‌های سنتی، ویژگی‌های محیطی، اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی ایشان باشد. متأسفانه انقطاع به وجود آمده در فرهنگ ما موجب قطع رابطه بین مفهوم فرهنگ و فضای معماری شده است. فضای معماری امروز به دلایل مختلف بر اساس فضای فرهنگی ساخته نمی‌شود.

بنابراین مسأله هویت نیز قابل اهمیت است که با توجه به معماری کنونی متداول در کشور به راحتی می‌توان گفت که نه تنها ساختمان‌های امروز به شهر هویتی نمی‌دهند بلکه هویت تاریخی و گذشته را از آن می‌گیرد. از این رو، آنچه که در ابتدای نوشتار مبنی بر تأثیر بینش افراد در شکل‌گیری پارادایم ذکر گردید، متأسفانه در طول زمان برای مسکن و طراحی آن نادیده گرفته شده و فقط مسکن به عنوان سرپناه برای بسیاری از افراد کشور تعریف شده است. هر چند در این مورد عوامل اقتصادی بسیاری دخیل هستند در مقایسه خانه سنتی و مدرن در ایران (تبدیل خانه به سرپناه)، این مؤلفه‌ها را می‌توان برشمرد: ۱. تبدیل خانه به سرپناه، ۲. جزءنگری یا کل‌نگری بیش از حد، ۳. سیطره کمیّت به جای کیفیت، ۴. فقدان پویایی و انعطاف‌پذیری در فضا، ۵. همه‌گیر شدن نظام بافت‌های شطرنجی، ۶. فقدان بستر زندگی جمعی، ۷. یکنواختی توأم با اغتشاش در بستر ضوابط، که مبنای بررسی‌های این مقاله قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۴: مؤلفه‌های مؤثر در چهره شهر

مقیاس: ابعاد مختلف معماری و نسبت فضای معماری به بدن آدمی	طرح نما: مثل نمای کلاسیک که در ایجاد تأثیر بصری مؤثر است.	نما	چهره شهر
سازه ساختمان: گنبد و طاق در معماری ایرانی			
مصالح ساختمانی: مصالح نمای ساختمان، آجر - سنگ - سیمان - بتن و آهن			
رنگ و نسج: رنگ و نسج مصالح			
تبحر در ساخت: آجرکاری، کاشی‌کاری و ...			
نما و اثاثیه: هویت‌دهنده فضای شهر: میدان، میدانچه، فضای سبز و بازارهای خطی در شهرهای قدیمی ایران که در چهره شهر یک سردر کوچک دارند، تیمچه‌ها	فضای شهری		
فضای عمومی، فضای نیمه عمومی (دالان و هشتی)			
فضای خصوصی، فضای نیمه خصوصی			
فضای سبز و پارک			

قابل ذکر آن که در شهرسازی و معماری ایرانی، شرایط طبیعی، بومی و اقلیمی نیز همواره مدنظر بوده است. این مورد که یکی از مؤلفه‌های هویت طبیعی شهر است، بر ساختار کالبدی شهر و به تبع آن معماری نیز تأثیر داشته است و از آنجا که عناصر طبیعی، نشان‌دهنده هویت طبیعی هر مکان است و طبیعت از ابتدا جزئی از وجود انسان بوده است و فرد نیز در کنار آن به آرامش می‌رسد، شهرها و عناصر آن و به ویژه مسکن به عنوان جزئی از شهر، باید چنین محیط و بستری را فراهم نموده و محل آرامش انسان باشند. این آرامش عموماً در کنار جنبه کالبدی، جنبه احساسی و روانی را نیز به همراه خواهد داشت. بنابراین، عناصر طبیعی و برجسته محیطی به عنوان نشانه‌هایی آشنا برای ساکنان شهر است. هم‌چنین بر اساس شرایط محیطی، هویت معماری و شهرسازی هر منطقه از کشور با شرایط اقلیمی و طبیعی آن همسو بوده است. لذا هر منطقه با شرایط طبیعی و اقلیمی متفاوت نیز دارای هویت خاص متأثر از شرایط طبیعی منطقه برای ساخت و ساز خود بوده است. بنابراین چهره یکسانی را در شهرسازی و معماری ایرانی - اسلامی در نقاط مختلف کشور نمی‌توان یافت. به طوری که معماری مسکونی در یزد با شرایط اقلیمی گرم و خشک متفاوت از معماری مسکونی در شمال کشور با شرایط اقلیمی معتدل و مرطوب و یا تبریز با شرایط اقلیمی سرد است. «در واقع هویت، حلقه گم شده زنجیر در ساخت و سازهای امروزی است و این اصل نادیده گرفته شده موجب شده که چهره معماری و شهرسازی شهرهای اکثر نقاط کشور که زمانی معماری فرهنگ‌مندی داشت به گونه‌ای بی‌هویت گردد» (نصر، ۱۳۸۵: ۷۰). در نظر گرفتن ویژگی‌های کالبدی شهر در کشور نیز می‌تواند در ساختن تصاویر و نشانه‌های هویتی جدید مؤثر باشد. اگر چه یافتن خصوصیات کالبدی مشترک شهرهای کشور بسیار دشوار است، اما می‌توان برخی از خصوصیات مشترک سیمای شهرها را وصف کرد.

۱- ناسازگاری ساختی الگوی مدرن با سایر الگوهای معماری مسکونی ایرانی را می‌توان از دو دیدگاه بررسی نمود:  
نخست بحران در دیدگاه کلان‌شهر که ناشی از نوع عملکرد با نوع انتظار از آن هم‌خوانی ندارد. در این باره می‌توان از نمونه شهرهای جدید نام برد که عاری از مفاهیم «سکونت» و «زندگی» هستند و تنها می‌توان آن‌ها را شهرهای «خوابگاهی» نامید.

دوم بحران در عناصر و اجزای شهر که با خود عدم تناسب فضاها با عملکرد جاری در آنها، اغتشاش و سردرگمی ناشی از ترکیب کاربری‌های ناسازگار، یکنواختی و عدم پویایی ناشی از تفکیک کاربری‌ها را به همراه دارد.

۲- تأثیر ضوابط طرح‌های جامع و تفصیلی در سیمای امروز شهر ایرانی را نیز می‌توان در تسلط بافت شطرنجی و یکسان

شدن بافت همه شهرها، عدم تطبیق فرم ظاهری فضا و معنای آن، عدم مفهوم کالبد و معنای آن در فرهنگ و کالبدهایی فاقد معنا دانست. معماری و معماری مسکونی، به عنوان عامل اصلی سازنده فضای شهری و سلول اصلی پیدایش سیمای شهری در این موضوع مطرح گردیده و عامل اصلی مورد بررسی در این بخش تنها نمای خارجی و یا تظاهر معماری به عنوان سازنده فضای شهری است. معماری معاصر ایران در تعامل بین باور سنتی و دیدگاه وارداتی واقع شده است، و بی‌هویتی در نما خود را بیش‌تر مشهود می‌نماید. متأسفانه در شرایط کنونی نما در معماری معاصر تنها به عنوان پوشش نهایی مطرح است و نمایشی از هویت نیست. هم‌چنین در نمای مسکونی معاصر ایران در قیاس با نمای معماری سنتی ایرانی می‌توان تفاوت‌هایی را شاهد بود که مهم‌ترین آنها عدم تطبیق پلان و نما، عدم ترکیب‌بندی منطقی بین مصالح، تبدیل نما به بدنه گرافیکی و استفاده بیش از حد از مصالح مختلف است. این مورد قابل ذکر است که در معماری مسکونی سنتی ایرانی - اسلامی توجه به «هویت» همواره مدنظر بوده است؛ «هویت فرهنگی» که ناشی از اعتقادات و نحوه نگرش به زندگی و مفهوم سکونت است، جزئی از آن محسوب می‌شود. بنابراین، ساکنان شهرهای سنتی ایرانی و به تبع آن ساکنان مسکن سنتی ایرانی ضمن درک هویت فضا و احساس «این همانی با فضا»، آن را با هویت خویش هماهنگ و همراه می‌یافتند. از سوی دیگر موضوع‌هایی چون هماهنگی با محیط طبیعی، بهره‌گیری از مصالح بومی و عناصر طبیعی مشخص «هویت محیطی» را برای مسکن هر منطقه رقم می‌زده است. با توجه به مواردی که ذکر شد در نمودار شماره ۲ برخی از خصوصیات مشترک میان شهرها در آسیب‌شناسی معماری مسکونی امروز ایران آورده شده است.

نمودار شماره ۲: برخی از خصوصیات مشترک میان شهرها در آسیب‌شناسی معماری مسکونی امروز ایران





## ب) دیدگاه معماری

با توجه به اینکه مسکن امروز به صورت مجتمع‌های مسکونی طراحی می‌گردد، از منظر و دیدگاه معماری برای طراحی مناسب مجتمع‌های مسکونی، معیارهایی برای طراحی چنین مسکنی در مجتمع‌های مسکونی پیشنهاد می‌شود.

ارائه معیارهایی برای طراحی مسکن مناسب در مجتمع مسکونی در شهر ایرانی اسلامی، با مقایسه ساختار کالبدی و عملکردی غیر قابل تفکیک معماری سنتی و نحوه طراحی معماری مسکن در حال حاضر و در موارد زیر قابل حصول است (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۱۸۷-۱۷۶):

۱- در معماری معاصر هر یک از سازمان‌های فضایی خانه‌ها به صورت مستقل از محیط پیرامون طراحی می‌شوند. چشم‌انداز و نور در خانه معاصر الزامی نیست. اما در خانه تاریخی، فضای لایتهای منبع تغذیه معماری و توجه به فضای باز الزامی بوده است.

۲- در معماری معاصر سازه مستقل از فضا شکل می‌گیرد و مانند یک لایه مجزا به سازمان فضایی افزوده می‌شود؛ این در حالی است که در مسکن سنتی سازه همسو با سازمان فضایی شکل گرفته است.

۳- دستگاه‌های آسایش دمایی خانه معاصر به بنا الحاق می‌شود؛ در حالی که در بنای تاریخی عوامل آسایش‌زا مانند بادگیر، زیرزمین، سایه‌انداز، حوض، باغچه به شیوه‌ای یکپارچه درون سازمان فضایی ادغام شده است.

۴- حیاط در خانه معاصر تعریف شده نیست و حتی به محلی برای توقف اتومبیل تبدیل شده است؛ اما در خانه تاریخی به عنوان اصلی‌ترین فضای باز، همزیستی با طبیعت را نشان می‌دهد.

۵- در خانه معاصر افزایش فضاهای بسته در قالب اتاق خواب در هر ابعادی است؛ اما در خانه تاریخی امکان بسط فضای باز و بسته وجود داشته است.

۶- فضاهایی مثل تراس و ایوان به صورت معدود در خانه معاصر وجود دارد؛ اما در خانه تاریخی با رعایت حریم، چشم‌انداز به فضای باز بسیار زیاد بوده است.

۷- نظام خاصی در اندازه در و ورودی در خانه معاصر وجود ندارد؛ اما در خانه تاریخی توجه به مردم‌واری بسیار مورد توجه بوده است.

۸- ناهماهنگی در نمای شهری در بنای معاصر بسیار است؛ اما در خانه تاریخی چنین نبوده است.

۹- نور عاملی مهم در خانه تاریخی بوده و وجود پنجره‌های زیبا شاهد این ماجرا است؛ اما در بنای معاصر توجه به نور طبیعی در حداقل ممکن است.

۱۰ دیوار در خانه معاصر فقط نقش جداکنندگی فضا را دارد؛ اما در خانه تاریخی دیوارها با ایجاد حجم ساخته می‌شدند.

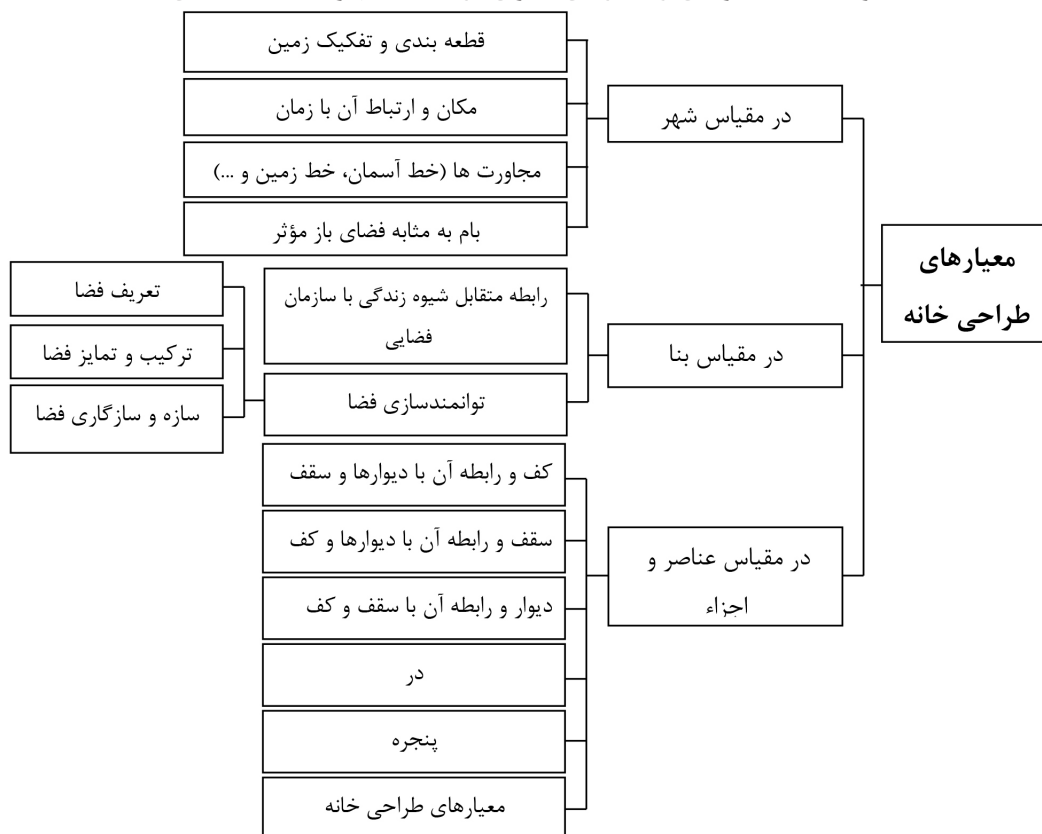
۱۱- سقف از نظر ارتفاع و نیز قابلیت دو رويه بودن در طبقه آخر در بنای تاریخی کاملاً با سقف در بنای معاصر که در همه جا ارتفاع یکسان دارد متفاوت است.

۱۲- حریم‌های عبوری در فضاهای خانه تاریخی کاملاً مشهود است ولی در خانه معاصر چنین نیست.

در الگوی مسکن امروز، همگرایی حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، سیاست، تکنولوژی و اجتماع فرایند تکاملی پایان‌ناپذیری را پدید می‌آورد. احتمالاً گفتگوی میان فرم‌ها و فضاهای جدیدی که اکنون طراحی و ساخته شده با آینده بالقوه آن‌ها وجود خواهد داشت. ارتباطی که روز به روز کمرنگ‌تر خواهد شد. بنابراین برای حفظ زنجیره مسکن ایرانی در طول تاریخ باید گذشته را ورق زد تا بتوان راه آینده را با درس گرفتن از گذشته هموار ساخت و با تجزیه عوامل مؤثر بر مسکن و فضاهای زندگی از گذشته تا فردا به تحلیل و ارزشیابی آن‌ها پرداخت (علی‌الحسابی و کرانی، ۱۳۹۲: ۳۴). با در معرض خطر قرار گرفتن هویت محلی و معماری بومی در آینده توجه به اصول معماری ایرانی می‌تواند در حفظ مسکن بومی هر منطقه از کشور کمک کند (نمودار شماره ۳). بهره‌گیری از معانی، مفاهیم و فرهنگ محلی می‌تواند مانع از ساخت و سازهای بی‌هوده و بی‌معنا و حفظ سلسله مفاهیم حاکم بر اجزای فیزیکی و غیر فیزیکی خانه گردد (پیشین، ۱۳۹۲: ۳۵). بنابراین می‌توان گفت در طراحی مسکن امروزی به اصول معماری ایرانی سنتی توجه نمود و ضوابطی را در نظر داشت که بینش و هویت ایرانی را هم مد نظر داشته باشد. ارزش‌هایی که در معماری سنتی ایرانی به عنوان الگوواره‌هایی وجود داشته است.

با توجه به آنچه گفته شد و هم‌چنین جمع‌بندی نقاط اشتراک فرهنگ ایرانی در گذر زمان و نقاط افتراق معماری ایرانی - اسلامی (مطابق با فرهنگ ایرانی) با معماری امروز (مسکن فقط به عنوان سرپناه)، می‌توان گفت طراحی مسکن باید در تداوم نیاز مردم به مفهومی بیش از تنها یک سرپناه باشد و به عنوان محلی برای زندگی در نظر گرفته شود؛ ضمن این که در سیما و منظر نیز بتواند وضوح بصری و خوانایی را در سیمای شهر امروز دارا باشد. از این جهت توجه به فرهنگ اصیل ایرانی در شیوه زندگی نیز باید مدنظر قرار گیرد. در نمودار شماره ۳ ضوابطی برای طراحی مسکن امروز در تداوم توجه به معماری سنتی پیشنهاد شده است.

نمودار شماره ۳: ضوابطی برای طراحی مسکونی امروز در تداوم توجه به معماری سنتی



### نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به بررسی و بازخوانی معماری مسکن در سیمای امروز شهر ایرانی اسلامی پرداخته شد. با توجه به مطالب ارائه شده موارد زیر قابل تأمل است:

۱- چنانچه در نوشتار بیان گردید، پارادایم اصطلاحی است که در فلسفه علم به کار برده می شود و مقصود از آن، اصولی است که بر پیشش افراد نسبت به چیزها و جهان حاکم است. بنابراین از نظر روش شناسی، واژه شهر اسلامی یا معماری اسلامی که در آن‌ها از اسلام به عنوان صفت استفاده شده، بویژه در زمینه بحث تخصصی چندان کارگشا نیست. معماری و اسلام هر دو به عنوان دو جوهر باید مورد استناد قرار بگیرد. هویت شهر به عنوان مجموعه‌ای کامل از الگوهای غیر مدون، ورای اختلاف‌های زمانی، مکانی و فرهنگی قابل شناسایی است.

صفت اسلامی در کنار معماری و شهرسازی نشان‌دهنده اسلام به عنوان تمدن است و نه اسلام به عنوان دین؛ و تعبیر ملل مسلمان در اعصار از دین اسلام و تبدیل آن به الگوهای شهرسازی و معماری کاملاً اعتباری بوده و به هیچ وجه نباید مطلق بودن مبانی دین اسلام را به دستاوردهای فرهنگی و فنی ملل مسلمان تعمیم داد. خصوصیات اصلی معماری و شهرسازی اسلامی نه در ایجاد عناصر و الگوهای جدید که در نحوه به کارگیری، سازمان‌دهی و ترکیب آن‌ها نهفته است.

۲- نخستین و مؤثرترین عامل تأثیرگذار بر ناظر، چهره شهر است که نمای ساختمان‌ها و نمای مجتمع‌های مسکونی در

چگونگی آن تأثیر زیادی دارد. چهره یکسان امروز شهرهای ایرانی به عنوان یکی از عواملی که پارادایم مسکن را شکل می‌دهد باید مورد توجه قرار گیرد.

طرح نما (مثل نمای سنتی، مدرن و غیره) مؤثرترین عامل در ایجاد تأثیر بصری است که در آن مقیاس (مثل ابعاد مختلف معماری و نسبت فضای معماری به بدن آدمی) و تناسبات (مثل ابعاد پنجره به نسبت ابعاد و بلندی ساختمان) مؤثر است.

عوامل دیگری چون شیوه ساختمان (نمای اصلی ساختمان به صورت پرده‌ای، سیمانی، آجری، فلزی، بتونی و غیره)، سازه ساختمان (گنبدی و طاقی در معماری سنتی ایران، خراباهای فلزی و یا سازه‌های پوسته‌ای) و مصالح نمای ساختمان (آجر، سنگ، سیمان، بتون و یا آهن)، رنگ و نسج مصالح و تبهر در ساخت (آجر کاری، کاشیکاری و غیره) نیز در ایجاد تأثیر بصری مؤثر هستند.

۳- همان‌طور که در بخش تعاریف بیان گردید اصولی که بر بینش افراد نسبت به مسأله‌ای حاکم است پارادایم را شکل می‌دهد. بنابراین از آن‌جا که طراحان و معماران با طراحی و ساخت مسکن، در شکل‌دهی چهره شهرها دخیل هستند و از آن‌جا که دروس طراحی معماری بخشی را به طراحی مسکن اختصاص می‌دهد و این امر در دانشکده‌ها تدریس می‌گردد، توجه به پارادایم مسکن ضرورت می‌یابد. تعالیم امروزی خانه‌سازی که بر بینش بهره‌وری مبتنی است و به طبیعت به دیده منبع نیرویی نگاه می‌کند که باید تا آن‌جا که مجاز است، یعنی پایداری به خطر نمی‌افتد، مورد بهره‌برداری قرار گیرد و تمام نیرویی که از طبیعت به‌دست

صورتی که این منازل به سبکی طراحی شوند که قابلیت انعطاف و تغییرپذیری بی تری داشته باشند، زندگی در آن‌ها آسان‌تر می‌شود. البته به جز طراحی خانه، در خود خانه نیز از دیوارهای متحرک می‌توان برای تغییر و تنوع استفاده کرد.

د- استفاده و ترویج معماری بومی از سوی مراجع کنترل ساختمان به صورت جدی دنبال نمی‌شود. این موضوع تأثیر عمده‌ای در پایین آمدن کیفیت معماری در سیمای شهر ایرانی اسلامی امروز دارد.

در برنامه پنجم توسعه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران موظف شد به منظور تدوین و ترویج الگوهای معماری و شهرسازی ایرانی- اسلامی با تشکیل کارگروهی مرکب از نمایندگان دستگاه‌های ذی‌ربط و صاحب نظران و متخصصان نسبت به انجام پژوهش‌های کاربردی، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات و ترویج الگوهای مورد نظر اقدام نماید (ماده ۱۵۱ مربوط به بخش مسکن). پس باید با دخالت دولت در معماری ساختمان‌ها از رواج هرج و مرج در آن‌ها جلوگیری و فرهنگ و اصالت ایرانی را حفظ کرد. این امر نیز مستلزم همکاری دولت و مجلس در تصویب و اجرای قوانین است.

ه- علاوه بر آن در مراکز آموزشی باید دگرگونی پدیدار شود، تفکر و نگرش برای رسیدن به آرمان‌نمایی سیمای شهر ایرانی- اسلامی، که همانا تلفیق سبک معماری گذشته با مدرن و امروزی است، تغییر پیدا کند.

و- معماری بومی نه تنها یک نیاز مقطعی نیست، بلکه نیازی تاریخی است. به تبع آن شهرسازی بوم‌گرا نیز تنها نباید به عنوان نیازی مقطعی مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که شهر ایرانی- اسلامی در گذار تاریخ همواره با توجه به بوم و اقلیم منطقه شکل گرفته است.

۷- برای ساختن تصاویر و نشانه‌های هویتی جدید باید به مسأله وضوح بصری یا خوانایی در سیمای شهری امروز که به گونه‌ای نادیده گرفته شده است توجه بیش تری مبذول داشت. در واقع هویت، حلقه گم شده زنجیر در ساخت و سازهای امروزی است و این اصل نادیده گرفته شده موجب شده که چهره معماری و شهرسازی شهرهای اکثر نقاط کشور که زمانی دارای معماری فرهنگ‌مندی بود، به گونه‌ای بی‌هویتی گردد (نصر و ماجدی، ۱۳۹۲).

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت در نظر گرفتن ویژگی‌های کالبدی شهر در کشور می‌تواند در ساختن تصاویر و نشانه‌های هویتی جدید مؤثر باشد. اگر چه یافتن خصوصیات کالبدی مشترک شهرهای کشور بسیار دشوار است، اما با توجه به موارد فوق سیمای شهر بومی کشور را می‌توان ترسیم نمود.

در شهر ایرانی هر پدیده‌ای به ترویج حرکت و زندگی معنوی کمک می‌کند و نمورها و نمادهای مختلف به گونه‌ای ساخته می‌شوند که یادآور جریان زندگی ایرانی باشد، و لذا به ایجاد حس مکان منجر شود. بنابراین توجه به هویت معماری و شهرسازی، جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی شهر و پویایی فضایی بسیار مهم است.

می‌آورد، بدون کمترین هدر رفتنی، به مصرف رسد. خود خانه مکانی است که به نیاز انسان یعنی نیاز سکناگزیدن پاسخ می‌دهد و چون انسان به ساختن آن دست زده، این الزامات بروز کرده است.

۴- در چارچوب تأمین فضای مورد نیاز برای آسایش انسان، مسکن نه تنها وجودی مادی است که تحقق آن مستلزم دانش مهندسی است، بلکه کیفیتی فضایی است که تأمین نیازهای روحی و روانی آدمیان را بر عهده دارد. در این چارچوب، علاوه بر واحد مسکونی، واحدهای مسکونی، محله، روستا و شهر نیز مسکن محسوب می‌شوند.

۵- شرایط موفقیت مجتمع‌های مسکونی، در دست‌یابی به معماری و شهرسازی هماهنگ با اقلیم، فرهنگ و اقتصاد جامعه است. مسکن در بر آوردن بسیاری از نیازهای انسان نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید. موفقیت پروژه‌های بزرگ مسکونی در دست‌یابی به معماری و شهرسازی مناسب در گرو توجه به نقش و اهمیت مسکن در زندگی بشر است.

۶- سخنگویان جامعه انتظار جامعه از معماری و شهرسازی را با تعبیری کلی مانند «هویت» یا «الگوی بومی» بیان می‌کنند. اما ارجاعات به تصاویر هویتی تماماً متعلق به گذشته است. برای ساختن تصاویر و نشانه‌های هویتی جدید باید بین فرهنگ، عقاید، آداب، عادات، فنون، حرف کنونی و شکل دست‌ساخته‌ها از جمله معماری، مراحل نامرئی از تبدیل و تبدیل طی شود که جز در سایه هماهنگی بین مجموعه نیروها و نهادهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی میسر نمی‌گردد. در اینجا است که توجه به پارادایم مسکن ضرورت می‌یابد، چرا که توجه به الگوواره‌هایی برای معماری ایرانی- اسلامی در اسناد مختلف بالادست اشاره شده است. اما توجه به این نکته ضروری است که کلمات اسلامی و ایرانی فقط صفت نیستند و مفهومی والاتر از یک صفت را دارند و به واقع اصولی ارزشی هستند. زیرا با بینش افراد جامعه ایران ارتباطی تنگاتنگ دارند. بنابراین باز هم توجه به پارادایم مسکن ضرورت می‌یابد و موارد زیر می‌تواند به ساختن تصاویر و نشانه‌های هویتی جدید کمک نماید:

الف- معماری مسکونی امروز که در شهرهای سنتی ایرانی معاصر قرار گرفته است، نمی‌تواند یکسره تقلیدی از معماری غربی و یا تماماً به سبک سنتی باشد و بهتر است تلفیقی از معماری سنتی و تکنولوژی روز، با رعایت نکات مربوط به ضروریات زندگی امروز و با رعایت ارزش‌های فرهنگی و در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی، از ویژگی‌های مثبت معماری سنتی و مدرن هر دو استفاده کند.

ب- نمای شهری امروز ایران نادیده گرفته شده و عناصر هویتی ایرانی- اسلامی در سیمای شهرهای امروز کمتر مورد اهمیت قرار گرفته است. به جاست که نمای مسکونی به عنوان اصلی‌ترین بخش نمای شهر ایرانی- اسلامی با الگوهای بومی، هویتی هر منطقه مورد توجه قرار گیرد.

ج- در منازل جدید جایی برای خلاقیت و تنوع وجود ندارد. در

پی نوشت ها

1. Solids
2. Voids
3. Outline
4. Panorama
5. Enclosure
6. Street
7. Furniture
8. παράδειγμα paradeigma
9. Paradigm

فهرست منابع و مراجع

۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، **برنامه‌ریزی توسعه مسکن و معماری آن (در تداوم معماری ایرانی)**، اولین همایش ملی معماری و هویت اسلامی-ایرانی، سازمان نظام مهندسی ساختمان استان همدان، همدان.
۱۹. نصر، طاهره، ماجدی، حمید (۱۳۹۲)، «نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی»، **مجله علمی پژوهشی آرمانشهر**، شماره ۱۱.
۲۰. نصر، طاهره (۱۳۹۵)، **هویت کالبدی شهر: مفاهیم و نظریات (موردکاوی: شهرهای شیراز، اصفهان، یزد و بوشهر)**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
۲۱. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۴)، **برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری**، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۲۲. نقی زاده، محمد (۱۳۷۹)، «رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی»، **مجله علمی پژوهشی هنرهای زیبا**، شماره ۷.
23. Allmer, A., (2009), "Orhan Pamuk's Museum of Innocence": on architecture, narrative and the art of collecting", **Architectural Research Quarterly**, Volume 13, Issue 02.
24. Buttmer, A & Seamon, D., (1980), **The Human Experience of Space and Place**, Croon Helm, London.
25. Habitat (2003), "The Habitat Agenda Goals and Principles, Commitments and the Global Plan of Action", UN-HABITAT website (accessed Sep. 2010): <http://www.unhabitat.org/downloads/docs/11766455TheHabitatAgenda.pdf>
26. Habitat (2006), "The Habitat Agenda, Istanbul Declaration on Human Settlements-1996.june", UN-HABITAT website (accessed Sep. 2010): <http://www.unhabitat.org/downloads/docs/207261331ist-dec.pdf>
27. Moore, Charles (1974), **The Place of House**, USA, University of California Press, California.
28. Rapoport, Amos (1969), **House Form and Culture**, USA, Prentice Hall publications.
29. Rowles, G D., (1990), "Place Attachment among Small Town Elderly", **Journal of Rural Community Psychology**, Vol 2(1).
30. UN (2007), "Agenda 21", UN website (accessed Sep. 2010): <http://www.un.org/esa/sustdev/documents/agenda21/english/Agenda21.pdf>
31. Whittick, Arnold (1974), **Encyclopedia of Urban Planning**, McGraw-Hill Company, London, New York.
۱. اردلان، نادر (۱۳۸۹)، **منشور حقوق اسکان**، یادآور، تهران.
۲. امین زاده، بهناز (۱۳۹۴)، **ارزش‌ها در طراحی منظر شهری**، دانشگاه تهران، تهران.
۳. بانک مرکزی (۱۳۸۸)، **نتایج بررسی فعالیت‌های ساختمانی بخش خصوصی در مناطق شهری استان‌های مختلف ایران سال ۱۳۸۷**، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران.
۴. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۴)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، **سبک‌شناسی معماری ایرانی**، نشر پژوهنده- نشر معمار، تهران.
۶. حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، **خانه، فرهنگ، طبیعت**، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
۷. ذوالفقارزاده، حسن؛ حصاری، پدram (۱۳۹۳)، «نظریه بوم‌شناسانه به معماری زیستگاه‌ها»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۴۵.
۸. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۳)، «آسیب‌شناسی مشکلات مسکن در ایران»، **فصلنامه صفا**، شماره ۳۹.
۹. علی‌الحسابی، مهران و کرانی، نعیمه (۱۳۹۲)، «عوامل تأثیرگذار بر تحول مسکن از گذشته تا آینده»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۴۱.
۱۰. کوهن، توماس ساموئل (۱۳۸۳)، **ساختار انقلاب‌های علمی**، ترجمه عباس طاهری، نشر قصه، تهران.
۱۱. لوکوربوزیه (۱۳۵۴)، **چگونه به شهرسازی بیندیشیم**، ترجمه محمد تقی کارستی، امیرکبیر، تهران.
۱۲. مجلسی، محمدباقر (علامه) (۱۳۸۹)، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه اطهار**، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۳. محمدی ریشه‌ری، محمد (۱۳۷۸)، **میزان الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شفیعی، دارالحدیث، قم.
۱۴. منصور، جهانگیر (۱۳۸۶)، **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مدنی**، نشر دوران، تهران.
۱۵. مورن، ادگار (۱۳۷۹)، **درآمدی بر اندیشه پیچیده**، ترجمه افشین جهانپنده، نشر نی، تهران.
۱۶. نصر، طاهره (۱۳۸۵)، «نگاهی به مقوله هویت در معماری»، **مجله بین‌المللی راه و ساختمان**، شماره ۳۱.
۱۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، **ارزیابی معماری امروز مسکن ایرانی (با توجه به مفهوم مسکن به عنوان اصلی‌ترین نیاز بشر)**، اولین همایش ملی مسکن ایرانی، ایران، دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، شیراز.